

توسعه صنایع موشکی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های دفاعی _ امنیتی شورای همکاری خلیج فارس

احسان یاری*

حسن خوش‌گفتار**

چکیده

تحوالات در برنامه موشکی ایران در سال‌های اخیر، توجهات زیادی را در محیط بین‌المللی و منطقه‌ای به خود اختصاص داده است. با وجود آنکه جمهوری اسلامی ایران توانایی موشکی خود را بارها دفاع از کشور و بازدارنده اعلام کرده، اما این توسعه، همواره نگرانی‌ها و واکنش‌هایی را در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم آورده و با پیامدهایی همراه بوده است. هدف پژوهش حاضر، بررسی پیامدهای توسعه صنایع موشکی جمهوری اسلامی ایران، بر سیاست‌های دفاعی _ امنیتی شورای همکاری خلیج فارس است؛ لذا این پژوهش با تمرکز بر شورای همکاری خلیج فارس، این پرسش را مطرح می‌سازد که «توسعه صنایع موشکی ایران چه تأثیری بر سیاست‌های دفاعی _ امنیتی شورای همکاری خلیج فارس داشته است؟». یافته‌های تحقیق نشان دادند که تلاش برای تقویت توان نظامی از طریق خریدهای گسترده تسلیحات نظامی و استقرار سپر دفاع موشکی، ائتلاف‌سازی‌های امنیتی و همچنین تقویت همکاری نهادی از مهم‌ترین پیامدهای توسعه موشکی ایران در سیاست‌های دفاعی _ امنیتی شورای همکاری خلیج فارس بوده است. روش پژوهش، توصیفی _ تحلیلی می‌باشد و داده‌های مورد نیاز به شیوه کتابخانه‌ای و از منابع مختلف از جمله کتاب‌ها، مقالات و وبسایت‌های معتبر گردآوری شده است.

واژه‌های کلیدی: ایران، شورای همکاری خلیج فارس، صنایع موشکی، تسلیحات نظامی، نهادگرایی

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز؛ e.yari22@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه شیراز

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

اریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۱

فصلنامه روابط خارجی، سال یازدهم، شماره چهل‌وسوم، پاییز ۱۳۹۸، صص ۹۷-۱۳۱

مقدمه

امنیت در جهان امروز، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای جوامع بشری، در عین اینکه ابعاد گوناگونی را در برمی‌گیرد با تهدیدات و رقابت‌های متعدد سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی روبه‌رو است. یکی از ابعاد مهم امنیتی در هر جامعه‌ای، امنیت کشور در برابر عوامل مختلف تهدید نظامی است. هر کشوری ممکن است در هر زمان به دلیل تناقضات، اختلافات و تفاوت‌های ساختاری، مدنظر سایر بازیگران قرار گرفته و با عمل متجاوزانه آنان مواجه شود. از این رو، حفظ تمامیت ارضی و جلوگیری از تجاوز و تهدید، از بارزترین مصادیق استقرار امنیت به‌شمار می‌آیند. به همین دلیل، کشورها بنا بر راهبردهایی که در مورد امنیت در مقابل تهدید دشمنان دارند، رویکردهای گوناگون و متنوعی را در سیاست‌های عملی خود، مورد توجه قرار می‌دهند.

کشورهای مختلف بنا به رویکردی که به مقوله تأمین امنیت در مقابل تهدید بیگانگان دارند، خط‌مشی‌های گوناگونی را مورد توجه قرار می‌دهند. اما مسئله حائز اهمیت این است که کشورهایی که از نظر جغرافیایی نزدیک به هم هستند و در یک منطقه قرار دارند، به اشکال مختلف همواره در حال تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در نوع مواضع منطقه‌ای و بین‌المللی خود هستند. در این بین، منطقه خاورمیانه که همواره صحنه بی‌ثباتی سیاسی، نظامی، اقتصادی، قومی و مذهبی بوده و طیف وسیعی از تهدیدات را با خود به همراه داشته است، از جمله مناطق بارز در عرصه بین‌المللی است که بازیگران منطقه، تحت تأثیر جریان‌های گوناگون و رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مستقیم و غیرمستقیم بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و چالش‌های تهدید نظامی

از جمله نگرانی‌های دائمی دهه‌های اخیر این کشورها بوده است. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران و شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان مهم‌ترین بازیگران منطقه، از این قاعده مستثنا نیستند. در سال‌های اخیر با وجود اختلافات متعدد، از جمله چالش برانگیزترین تناقضات میان ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، مسئله توسعه صنایع موشکی جمهوری اسلامی ایران بوده است. جمهوری اسلامی ایران که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به شکل ناخواسته به مدت هشت سال درگیر جنگ تحمیلی بود و در آن آماج انواع محدودیت‌ها و تحریم‌های تسلیحاتی، اقتصادی و سیاسی قرار گرفت، بر اساس ضرورت‌های عینی و تجربیات کسب شده، تلاش نمود علاوه بر زمینه‌های گوناگون، در عرصه نظامی نیز به بازسازی، توسعه و انجام پژوهش‌های نظامی در جهت تقویت نیروهای مسلح و کاهش وابستگی به منابع خارجی برای تأمین تجهیزات و سلاح‌های موردنیاز خود بپردازد. از این رو توسعه صنایع موشکی از جمله صنایع راهبردی ایران شده که پیشرفت چشم‌گیری را تجربه کرده است. اما مراحل مختلف این توسعه، منجر به ایجاد حساسیت و افزایش نگرانی‌های همسایگان منطقه‌ای ایران به‌ویژه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس شده است. این وضعیت، برخاسته از نگرش متفاوت کشورهای منطقه در تعریف امنیت و تهدید در ترتیبات امنیتی منطقه از یک سو و نفوذ بخش پیرامون و نظام تأثیرگذار ترویج‌دهنده و اگرایی منطقه‌ای از سوی دیگر است که نقش بارزی در اتخاذ الگوهای نظامی _ تسلیحاتی در منطقه داشته است. در واقع رقابت‌های تسلیحاتی میان کشورهای منطقه را باید در چهارچوب وضعیت نظامی منطقه و در قالب زاویه نگرش مقام‌های تصمیم‌گیرنده درونی این کشورها و نقش کشورهای فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا، باهدف ایجاد توازن منطقه‌ای مورد توجه قرارداد (عسگر خانی و حق‌شناس، ۱۳۹۰: ۷۰). در نتیجه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تحت تأثیر شرایط مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی اقدامات ایران را رویکردی تهاجمی محور ارزیابی کرده و امنیت خود را با توسعه صنایع موشکی ایران در خطر می‌بینند. از این رو در پی راهکارهای مقابله‌ای گام برداشته‌اند.

با این توضیحات، نگارندگان در این مقاله به دنبال آن‌اند تأثیر توسعه صنایع موشکی جمهوری اسلامی ایران بر سیاست‌های دفاعی _ امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند و به طور خاص به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که «توسعه صنایع موشکی ایران چه تأثیر و پیامدهایی در سیاست‌های دفاعی _ امنیتی شورای همکاری خلیج فارس داشته است؟»

در پاسخ به این پرسش، این فرضیه مدنظر قرار گرفته است که توسعه و گسترش صنایع موشکی جمهوری اسلامی ایران، در سیاست‌های دفاعی و امنیتی شورای همکاری خلیج فارس با دو پیامد مهم، یکی در حوزه استراتژیک (تلاش برای تقویت توان نظامی از طریق خریدهای گسترده نظامی و ائتلاف‌سازی‌های دفاعی _ امنیتی) و دیگری همکاری نهادی (هم‌گرایی منطقه‌ای) همراه بوده است.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با برنامه‌های موشکی در خاورمیانه به‌طور عام و برنامه موشکی ایران به‌طور خاص، منابع گوناگونی یافت می‌شود که هر کدام از آنها از جنبه‌ای به آن پرداخته‌اند؛ از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به استفان دلوری (۲۰۱۱)، یوزی روبین (۲۰۱۲)، پومپر و هاروی (۲۰۱۰)، پینو دیاسو (۲۰۱۶)، ناصرالدین حیدری (۱۳۹۳)، جمال زاده و آقائی (۱۳۹۴)، استیون ایکویچ (۲۰۰۴)، قاسم ترابی (۱۳۸۹)، دینشائو می‌ستری (۲۰۰۷)، گاروین ریچارد (۲۰۰۸)، کلسی داوِنپورت (۲۰۱۶) اشاره کرد. بر اساس بررسی از پیشینه پژوهش، نکته حائز اهمیت به‌عنوان تفاوت و نوآوری پژوهش حاضر، این است که در این پژوهش به شکل خاص به پیامدهای توسعه صنایع موشکی ایران در سیاست‌های دفاعی _ امنیتی شورای همکاری خلیج فارس خواهیم پرداخت، امری که تاکنون مورد بررسی جامع قرار نگرفته است.

۱. بحث نظری

در این بخش از پژوهش به بررسی عوامل و شرایط تهدیدزای امنیت ملی کشورها، بر اساس بنیان‌های دستگاه‌های نظری رئالیستی به‌عنوان راهکاری مقابله‌محور برای اقدامات تهدیدآمیز و همچنین رویکرد لیبرالیسم نهادگرا به‌عنوان راهکاری به‌منظور

ایجاد همکاری و نهادمحوری برای جلوگیری و مهار تهدیدات پرداخته خواهد شد. هدف از چنین بررسی‌ای به دست آوردن تحلیلی جامع برای کاربست نظری و مطالعه دقیق اهداف اساسی و رویکرد دولت‌ها برای مقابله با تهدیدات خواهد بود.

رهیافت رئالیستی که مسئله امنیت، محور و پایه اصلی آن را تشکیل می‌دهد و بی‌تردید، نفوذ عظیمی در حوزه بررسی‌های امنیتی داشته است، با تکیه‌ای که روی قدرت، ترس و اقتدارگریزی دارد، تبیین‌هایی مهم و محوری درباره ستیز و جنگ به دست می‌دهد (ویلیامز، ۱۳۹۲: ۵۳). رهیافت رئالیستی اگرچه در طول سال‌ها به شاخه‌های متعدد و مختلفی تقسیم شده و در میان گونه‌های مختلف واقع‌گرایی، گاه تفاوت‌های مهمی وجود دارد، اما همه آنها عمدتاً قائل به این هستند که سرشت مناسبات میان دولت‌ها تغییر نکرده است. از این رو، رفتار دولت‌ها معمولاً برخاسته از کشمکش پیش‌دستی جویانه‌ای است که سه اصل، دولت‌گرایی، خودیاری و بقا در نظام آنارشی بین‌المللی آن را ایجاد کرده و براساس این اصول، زنجیره بی‌پایان جنگ‌ها و فتوحات را توضیح می‌دهند.

این مکتب، به‌عنوان یک تفکر و انگاره نسبت به جهان، بر محدودیت‌های واقعی و نیاز به عمل‌گرایی و احتیاط تأکید می‌کند (Stein, 2011: 12813). بر اساس رهیافت رئالیسم کلاسیک، دولت‌ها بنا بر سرشت خود، پیوسته برای افزایش توانایی‌هایشان در تلاش‌اند که نبود مرجعی بین‌المللی شرایط را برای ایجاد جنگ‌ها برای دولت‌های تجاوزپیشه فراهم آورد (ویلیامز، ۱۳۹۲: ۵۶). به همین دلیل است که واقع‌گرایان نگاه بدبینانه و احتیاط‌آمیزی به روابط بین‌الملل دارند (Elman, 2001: 759) بر اساس این تفاسیر نیز دو رویکرد مهم و تأثیرگذار از رهیافت رئالیستی، با ارزش‌های تهاجمی و تدافعی بروز یافته است.

در رئالیسم تهاجمی احتمال وقوع جنگ همواره وجود دارد و هیچ‌گاه به میزان آرامش‌بخشی تنزل نمی‌کند. همچنین، روابط بین‌الملل نه یک حالت ثابت از جنگ؛ بلکه یک رقابت امنیتی بی‌رحم است و تنها قدرت است که می‌تواند از خطر افزایش احتمال وقوع جنگ توسط حریف جلوگیری کند و در صورت وقوع، مانع شکست در جنگ شود؛ زیرا آنارشی وجه بارز و مشخصه نظام

بین‌الملل است. حتی اگر نیت و انگیزه دولت‌ها تشخیص داده شود، هیچ تضمینی وجود ندارد که آنها ثابت باقی بمانند (Copland, 2000: 191) واقع‌گرایی تهاجمی، ضمن توصیف شرایط آنارشی، وظیفه اصلی دولت‌ها را در چنین شرایطی این‌طور عنوان می‌کند که دولت‌ها با به حداکثر رساندن قدرت خود در برابر دیگران، می‌کوشند بقای خود را در چنین محیطی حفظ کنند. واقع‌گرایی تهاجمی نمایش عمده سیاست قدرت خارجی است که دولت‌ها برای به حداکثر رساندن قدرت خود در تلاش‌اند. دولت‌ها می‌کوشند ثروت خود و توانایی‌های نظامی‌شان را برای جنگیدن در نبردها بیشینه سازند. (Mearsheimer, 2001: 140)

اما در رئالیسم تدافعی، امنیت برابر است با برخورداری از قدرت کافی برای ایجاد موازنه و تا جایی که موازنه برقرار است امنیت نیز وجود دارد. اگر کشوری قصد برهم زدن امنیت و موازنه را داشته باشد کشورها باید جهت کسب امنیت، اقدام به افزایش قدرت و دستیابی به موازنه جدید کنند. این رویکرد، معادله قدرت و امنیت را رد می‌کند و می‌گوید ناامنی دولت‌ها را وادار به تسلیم و دفاع می‌کند که این امر بسته به موازنه تهاجمی - تدافعی، موقعیت‌های تدافعی - تهاجمی، شناخت دشمن و دیگر متغیرها ممکن است به تضاد منجر شود. راهکار تدافعی تمایز میان تهاجم - تدافع را عامل مهمی در اعتماد دولت‌ها به یکدیگر می‌داند و می‌گوید چنانچه دولتی قادر باشد راهکارهای تدافعی از خود بروز دهد، امکان ایجاد اعتماد موقت میان بازیگران موردنظر وجود دارد، بنابراین، کاهش وقوع جنگ نیز احتمال می‌رود.

این راهکار به‌نوعی در دو گزینه، کاهش احتمال جنگ و کاهش احتمال شکست، دارای ظرفیت و توان مناسبی است. در گزینه اول، از طریق اتخاذ راهکارهای دفاعی و تلاش برای بروز ندادن رفتارهای تهاجمی سعی در اعتمادسازی امنیتی و کاهش نگرانی‌ها دارد و در گزینه دوم نیز با مسلح کردن خود و بالا بردن قابلیت‌های دفاعی، در صورت بروز جنگ، احتمال شکست خود را کاهش می‌دهد (عبداله خانی، ۱۳۸۹: ۸۶).

در موردنظریه دوم یعنی رویکرد «لیبرالیسم نهادگرا» باید گفت، آنچه لیبرال‌ها در

مورد صلح و امنیت به آن معتقدند، این است که برای حل مسائل مشترک، نیاز به همکاری فراملی است و همکاری فراملی در یک بخش، دولت‌ها را وادار خواهد کرد که در بخش‌های دیگر اعم از اقتصادی، سیاسی، نظامی، امنیتی و... همکاری نمایند. دولت‌ها هرچه بیشتر در فرایند هم‌گرایی قرار گیرند، هزینه خارج شدن از همکاری‌ها افزایش خواهد یافت و در نتیجه این امر به صلح، ثبات و امنیت کمک خواهد نمود.

در یک دید کلی، لیبرال‌های نهادگرا بر این اعتقادند که نهادگرایی، بی‌ثباتی را در نظام آنارشی به میزان قابل توجهی تعدیل می‌سازد؛ زیرا نهادها بر بی‌اعتمادی میان دولت‌ها فائق می‌آیند. آنها با ایجاد امکان و زمینه مناسب برای تبادل اطلاعات میان دولت‌های عضو، منجر به کاهش ابهامات رفتاری میان دولت‌ها می‌شوند، از نیات و اهداف یکدیگر مطلع می‌شوند و ایجاد معمای امنیتی میان دولت‌ها کاهش می‌یابد. همچنین آنان محلی برای مذاکره میان بازیگران در حوزه‌های مختلف و سطوح گوناگون می‌شوند که اعتماد متقابل را افزایش داده و اشتراکات را تعمیق می‌بخشد. در حقیقت نهادها، استمرار و ثبات را در سیستم بین‌المللی فراهم می‌کنند؛ زیرا آنان دولت‌ها را برای کسب سود متقابل و همکاری تشویق می‌کنند و می‌توانند به ایجاد فضایی که در آن انتظار صلح باثبات می‌رود، کمک کنند (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۱: ۱۵۷).

جمهوری اسلامی ایران، با توجه به نگرانی‌های امنیتی، ناشی از تهدیدهای همه‌جانبه از سوی نیروهای فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای، هم‌زمان و به‌ویژه پس از جنگ تحمیلی، به تقویت توانمندی موشکی خود به‌منظور تأمین حداکثر بازدارندگی و دفاع از خود مبادرت ورزید که این اقدام ایران با توجه به تجربه‌های عینی و ملموس با رویکردهای مبتنی بر مفاهیم رئالیستی قابل ارزیابی است؛ اما از آنجایی که کشورها در منطقه خلیج فارس، نسبت به یکدیگر در فضای ادراک متضاد قرار دارند و با نشانه‌هایی از عدم اطمینان روبه‌رو هستند، هرچند هدف توسعه موشکی ایران، صرفاً دفاع در برابر تهاجمات و بازدارندگی بیان می‌شود، اما برداشت این کشورها به‌ویژه شورای همکاری خلیج فارس، لزوماً برداشتی تدافعی نبوده است.

به‌عبارت دیگر، دریافت آنها از توسعه صنایع موشکی ایران می‌تواند، بر اساس

رنالیسم تهاجمی از سوی ایران ارزیابی شده و منجر به آن می‌شود که شورای همکاری برای مقابله با ایران به استراتژی‌های تدافعی و تهاجمی دست بزند و از آنجایی که در مقابل استراتژی تهاجمی، استراتژی متقابل تهاجمی و در مقابل استراتژی تدافعی، استراتژی متقابل تدافعی قرار می‌گیرد، منجر به امنیتی شدن فضا و افزایش تنش در روابط شود و در مراحل بعد می‌تواند پیامدهای منفی و جبران‌ناپذیر گسترده‌تری به بار آورد که بخشی از آن ایجاد مسابقات تسلیحاتی است.

اما بخش دیگر از اقدامات شورای همکاری خلیج فارس جدا از رویکردهای تدافعی و تهاجمی که بیان شد، بر اساس لیبرالیسم نهادگرا قابل ارزیابی خواهد بود. در واقع از آنجایی که بر اساس این رویکرد، همکاری و اتحاد باعث افزایش سود متقابل می‌شود، این کشورها برخی از اعمال خود را بر اساس اصل تعامل و اتحاد پیش برده‌اند که مهم‌ترین و قابل توجه‌ترین این همکاری را می‌توان تعامل‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دانست که برای مقابله با تهدید و خطرات احتمالی شکل گرفته‌اند.

۲. روش پژوهش

از آن جا که در این پژوهش به دو متغیر اصلی و هم‌آیند، یعنی توسعه صنایع موشکی جمهوری اسلامی ایران و به تبع آن انگاره ادراکی تصاعد تهدید از سوی ایران که فارغ از نادرستی اش در آن سوی خلیج فارس شکل گرفته است، به عنوان متغییر مستقل و همچنین سیاست‌های دفاعی _ امنیتی شورای همکاری خلیج فارس به عنوان متغیر وابسته، پرداخته شده و ارتباط همبستگی و علی میان آن دو با تحلیل جزئیات و داده‌های مؤید هر یک نشان داده شده است، روش پژوهش مورد استفاده، در تناسب با موضوع، روش توصیف و تحلیل بافتی یا زمینه‌ای در نظر گرفته شده است.

با در نظر گرفتن زمینه‌مندی کنش‌های هر یک از طرفین مربوط به موضوع، یعنی جمهوری اسلامی ایران از سویی و اعضای شورای همکاری خلیج فارس از دیگر سو، عناصر زمینه در این پژوهش به تفکیک شامل عنصر زمان، عنصر مکان و عنصر کنشگر است. توجه به دو نکته بسیار ضروری است؛ نخست برای تحلیل

مناسب موارد مذکور، نیازمند توصیف شرایط و به‌دست دادن داده‌های مورد استناد هستیم و لذا یک پایه روش پژوهش در این مقاله نیز توصیف است؛ دوم اینکه اگرچه به ضرورت استدلال تحلیلی، عناصر سه‌گانه بافت را در توضیح روش پژوهش از یکدیگر تفکیک کرده‌ایم، در جهان واقعی سیاست، این عناصر در پیوند با هم و با برهم‌کنش‌های تعاملی به نقش‌آفرینی می‌پردازند و لذا از بررسی هم‌زمان آنها در پژوهش ناگزیر بوده‌ایم.

۳. برنامه موشکی ایران

تا قبل از سال ۱۹۷۹، ایالات متحده از صادرکنندگان عمده تجهیزات نظامی به ایران به شمار می‌رفت و در طی این مدت ایران قادر به خرید پیچیده‌ترین سلاح‌های متعارف موجود در آن زمان بود. این امر به دلیل همکاری‌های گسترده با ایران در منطقه و به‌عنوان متحد استراتژیک ایالات متحده در خاورمیانه عملی می‌گشت. اما با پیروزی انقلاب اسلامی، واقعیت‌های نوینی وارد صحنه‌های راهبردی کشور شد و تحولات اساسی در سیاست خارجی شکل گرفت، به همین سبب، محیط امنیتی و به دنبال آن استراتژی راهبردی ایران تغییر یافت و در راستای تحول در محیط داخلی و محیط سیستمی آن، تهدیدات نوین سیستمی این کشور شکل گرفت.

جنگ هشت ساله با عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) و استفاده وسیع این کشور از موشک‌های بالستیک، آسیب‌های فراوانی را به مناطق شهری ایران وارد کرد. حملات موشکی به شهرها که در فوریه و مارس ۱۹۸۸، آغاز و به جنگ شهرها کشیده شد، منجر به آسیب‌های زیادی به ایرانیان شد. در این دوران، بیش از ششصد موشک بالستیک شلیک شد، شدیدترین دوره این مبادله در سال ۱۹۸۸ بود که طی آن عراق حدود دویست موشک به سمت شهرهای مهم ایران و به‌طور عمده پایتخت پرتاب کرد (Cordesman, 1999: 109) که باعث کشته شدن بیش از ۲ هزار نفر و مجروح شدن حدود ۸ هزار نفر و تخریب‌های گسترده گردید. این خاطره تلخ ضمن بیان نبود یک سیستم دفاعی مؤثر و بازدارنده، کارایی سیستم‌های موشکی را نمایان‌تر ساخت (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۲۲).

پس از جنگ تحمیلی، تهدیدهای منطقه‌ای ایران و لزوم به‌کارگیری

تسلیحات نوین چون موشک‌های بالستیک پایان نیافت؛ بلکه تهدیدها و شرایط جدید منطقه‌ای، ایران را وارد مرحله نوینی از چالش‌ها نمود. همان‌طور که از سخنان مقامات ایرانی و تجارب مختلف تاریخی مشخص است در طول جنگ هشت ساله و فراتر از آن تا زمان جنگ «۱۹۹۱ خلیج فارس»، عراق نخستین تهدید امنیتی ایران تلقی می‌شد، اما این احساس خطر پس از عملیات طوفان صحرا تغییر کرد و حتی بعدتر، پس از شکست دستگاه نظامی صدام در این عملیات و حضور مستقیم ایالات متحده و هم‌پیمانان بین‌المللی‌اش در منطقه، آمریکا به‌عنوان تهدید اصلی برای امنیت ایران جایگزین عراق شد. پس از سقوط صدام در جنگ ۲۰۰۳، حضور قابل توجه نظامی آمریکا در امتداد مرزهای غربی ایران، حتی ایران را بیشتر نگران جنگی دیگر و مقاصد ایالات متحده می‌کرد.

بر این اساس، از آنجایی که ایران همواره تلاش می‌کرد به افزایش ظرفیت نظامی متأثر از تهدیدهای واقعی و هم تبدیل شدن به یک قدرت عمده در منطقه اقدام نماید، این تلاش مستلزم توسعه نیروهای مسلح کارا و مؤثر برای رویارویی با هرگونه تهاجم و ظرفیت بازداشتن تهدیدهای عمده بود. بنابراین دستیابی ایران به فناوری و همچنین ساخت جنگ‌افزارها مانند انواع موشک‌ها در داخل و خودکفایی در دانش تولید می‌توانست بر اساس محدودیت‌های به‌وجود آمده به توانایی بازدارندگی در مقابل تهدیدها دست یابد. تلاش‌های ایران برای رفع مشکلات موجود در خرید و تعمیرات تجهیزات نظامی و جبران محدودیت و ضعف در نیروهای متعارف و به‌ویژه در قدرت هوایی باعث شد که ایران حداکثر تلاش خود را برای تجهیز موشکی و به‌دست آوردن فناوری ساخت آن و بومی‌سازی موشک در دهه ۱۹۹۰ میلادی به اوج برساند (Taylor, 2009: 6).

از این رو ایران بر اساس واقعیت‌های موجود در محیط منطقه‌ای خود، به‌طور پیوسته سرمایه‌گذاری لازم را در صنایع و زیرساخت‌ها برای گسترش زرادخانه موشکی و کاهش وابستگی به منابع خارجی غیرقابل اعتماد انجام داد و توسعه برنامه موشکی را به‌عنوان وجهی از بازدارندگی دفاعی خود برگزید. پس از تلاش‌های فراوان در ساخت موشک‌های با سوخت مایع در انواع "شهاب" و

"قدر" و همچنین در ساخت موشک‌های با سوخت جامد مانند "سجیل" و "عاشورا" و انواع موشک‌های پیشرفته "کروز"، امروزه به توانایی‌های وسیعی در دانش و ساخت مجموعه متفاوتی از موشک‌های توپخانه‌ای، بالستیک و کروز دست یافته است که در بردهای وسیعی توانایی ضربه به تهدیدات را دارند.

۴. یافته‌های پژوهش و تحلیل آن

۴-۱. برنامه موشکی ایران و اقدامات مقابله‌ای شورای همکاری خلیج فارس

امروزه ایران به‌عنوان کشوری که توانایی‌هایی وسیع در زمینه موشک‌های دوربرد و میان‌برد دارد و در پی پیشرفت و گسترش فناوری‌های موشکی خود است، از جانب شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان چالشی مهم در نظر گرفته می‌شود. در واقع کشورهای منطقه، موشک‌های ایران را اهرمی برای فشار و تهدید علیه خود ارزیابی می‌کنند. در شورای همکاری خلیج فارس یک نگرانی عمده و رو به رشد وجود دارد که در جنگ احتمالی با ایران، تأسیسات استراتژیک شورای همکاری خلیج فارس در مقابل موشک‌های ایران به‌شدت آسیب‌پذیر خواهند بود. آنها قابلیت‌های سیستم‌های موشکی سطح بالا از جانب ایران را یک تهدید عمده علیه خود فرض می‌کنند. نگرانی از تاکتیک‌های جنگ نامتقارن در برابر اهدافی ویژه مانند سیستم‌های حمل‌ونقل غیرنظامی و تأسیسات زیرساختی مانند پایانه‌های حمل‌ونقل، پالایشگاه‌های نفت، بنادر و تأسیسات آب‌شیرین‌کن که بسیاری از آنها از زیرساخت‌های حیاتی کشورهای عربی منطقه هستند، لزوم حفظ امنیت آنها از نگرانی‌های کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به‌شمار می‌رود (Guzansky, 2016: 5).

درواقع اعتقاد بر این است که ایران دارای بیشترین و متنوع‌ترین زرادخانه‌های موشکی بالستیک در منطقه است و به‌طور سیستماتیک، زرادخانه بالستیک خود را گسترش می‌دهد و توانایی این کشور در افزایش محدوده موشک‌ها و بهبود دقت، نیروی تخریب و تلاش برای کوتاه کردن زمان برخورد به هدف، باعث شده مراکز شهری و تأسیسات راهبردی در کشورهای خلیج فارس در مواجهه با حجم موشک‌های ایران و برای مدت زمان طولانی آسیب‌پذیر باشند. این کشورها

معتقدند از آنجایی که «دکترین نظامی ایران» برای تضعیف تهاجم احتمالی طراحی شده است، منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی دشمنان خود را هدف قرار می‌دهد؛ زیرا ایران به دلیل سخنان پی‌درپی در مورد گزینه‌های نظامی علیه این کشور از سوی ایالات متحده، همواره تهدید کرده است که موشک‌ها را علیه منافع ایالات متحده در منطقه در واکنش به جنگ مورد استفاده قرار خواهد داد. از این رو این تهدیدها، نگرانی شورای همکاری خلیج فارس را تشدید می‌کند.

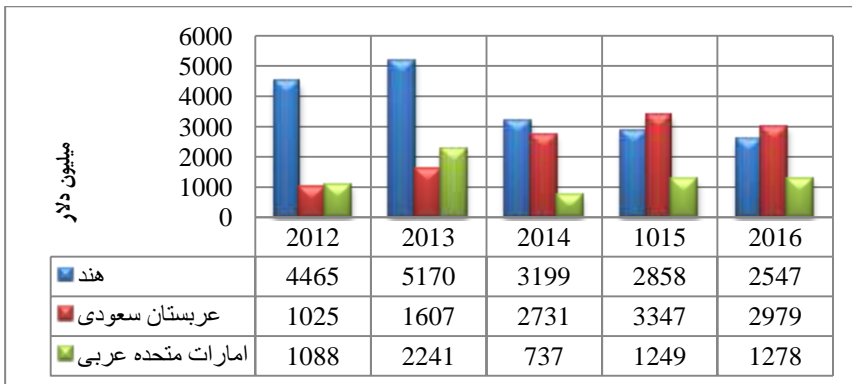
این کشورها موشک‌های بالستیک ایران را همچنین به عنوان سلاح‌های سیاسی نیز می‌دانند که تاکتیک‌های نامتقارن را افزایش می‌دهد و هدف آن ایجاد اختلافات داخلی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است و عملاً مشروعیت آنها را به خطر می‌اندازد. در طول سال‌های گذشته این شورا دائماً در پی اقدام‌های گسترده و پیچیده‌ای بوده تا اعمالی را که از نظر آنها تهدید فرض می‌شده، دفع نمایند و در نتیجه سرمایه‌گذاری وسیعی برای کاهش تهدیدها انجام می‌دهند. از این رو این کشورها در سال‌های اخیر عمدتاً بر بهبود در توانایی‌های دفاعی و قابلیت‌های خاص برای مقابله با اقدام‌های ایران تمرکز کرده‌اند، همچنین تلاش‌های گسترده‌ای برای ایجاد هم‌گرایی‌ها و ائتلاف‌ها انجام شده است که در بخش‌های بعدی به بررسی اقدام‌های این کشورها پرداخته می‌شود.

۴-۱-۱. خریدهای گسترده نظامی و ایجاد رقابت‌های تسلیحاتی

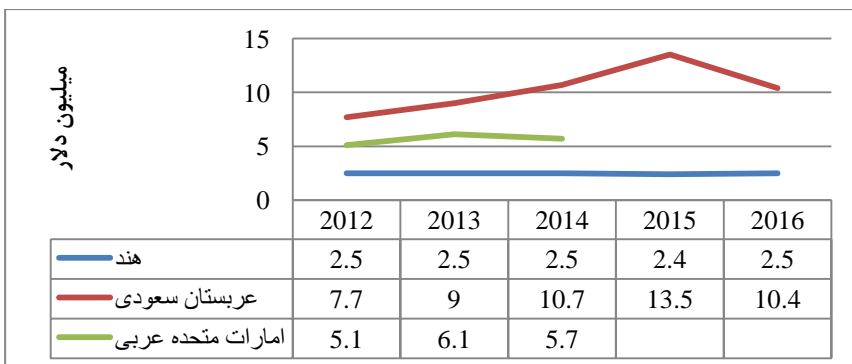
در جهان امروز، حجم نقل و انتقال تسلیحات به طور پیوسته در حال گسترش است. به طوری که بر اساس آمارهای به دست آمده از "پژوهشگاه صلح استکهلم"، در زمینه سلاح‌های اصلی نظامی، در طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۶، نسبت به سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۱۱، ۸/۴ درصد رشد را نشان می‌دهد. نکته مهم در چنین شرایطی مسئله واردکنندگان بزرگ تسلیحات در سطح بین‌المللی است که بر اساس آمارهای همین مؤسسه، به ترتیب کشورهای هند با ۱۳ درصد، عربستان سعودی ۸/۲ درصد و امارات متحده عربی ۴/۶ درصد، عنوان بزرگ‌ترین کشورهای واردکننده تسلیحات در سطح بین‌المللی را به خود اختصاص داده‌اند (نمودار ۱). البته به این نکته باید اشاره کرد که رتبه نخست هند در مقابل دو کشور عربستان سعودی و امارات متحده

عربی، زمانی رقابت‌های تسلیحاتی در منطقه خلیج فارس را روشن‌تر می‌کند که هزینه نظامی بر اساس تولید ناخالص داخلی محاسبه شود. هند با تولید ناخالص داخلی حدود ۲,۲۶۳ تریلیون دلار (data.worldbank, 2017) روند ثابت حدود ۲/۵ درصد را نشان می‌دهد. این در حالی است که هزینه نظامی از تولید ناخالص داخلی دو کشور ذکر شده منطقه خلیج فارس، رقمی بیش از دو برابر هند است (نمودار ۲). با این حال، باید ذکر کرد که به صورت مشخص در سال ۲۰۱۶، این عربستان سعودی است که با افزایش واردات تسلیحات، رتبه نخست را در جهان به خود اختصاص داده است (Sipri.Database, 2017).

نمودار ۱. بزرگ‌ترین واردکنندگان تسلیحات در جهان (۲۰۱۲-۲۰۱۶)



نمودار ۲. مقایسه برآورد هزینه‌های نظامی سه کشور بزرگ واردکننده تسلیحات بر اساس تولید ناخالص داخلی (۲۰۱۲-۲۰۱۶)



(Source: sipri.databases, 2017)

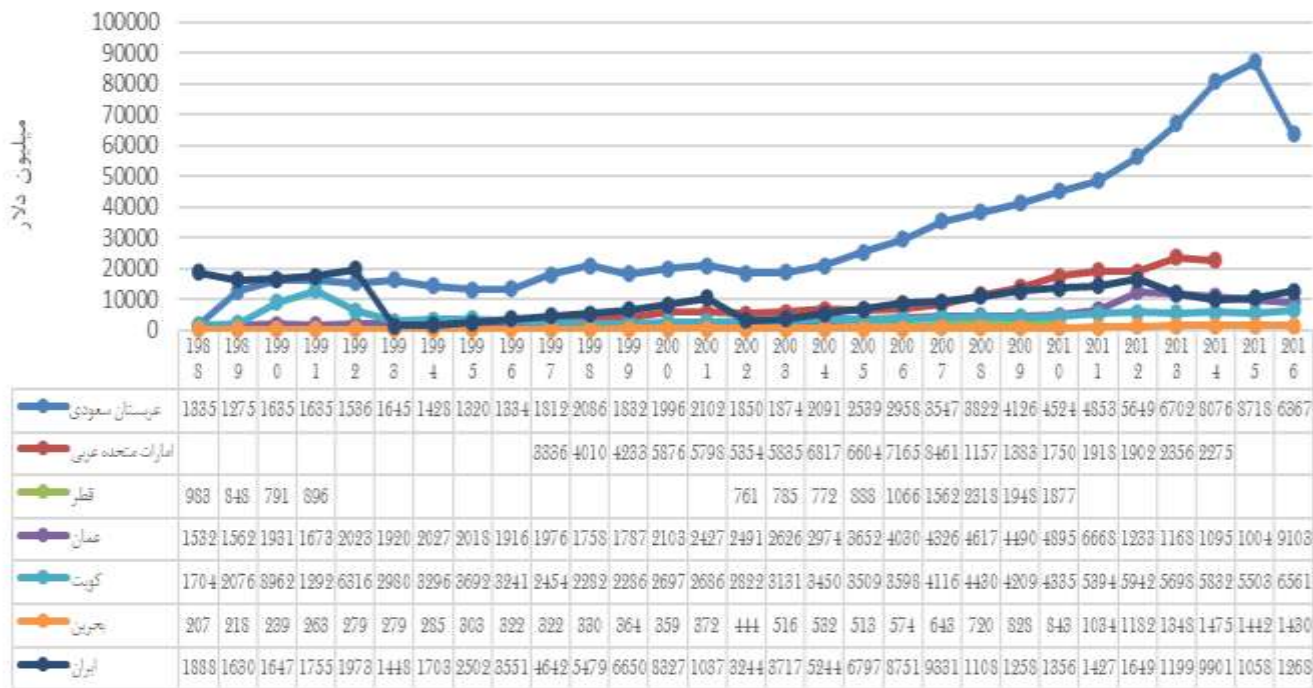
در سطح منطقه ای و در بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس نگرانی‌ها و تهدیدات امنیتی متعدد که انواع مختلف سیاسی و دفاعی از جمله، مسئله ایران که خود جنبه‌های مختلف نفوذ منطقه‌ای، مسئله هسته‌ای، موشکی و حتی امنیت تجارت دریایی که ناشی از به وجود آمدن شرایط ایران‌هراسی از ابتدای انقلاب و رفتارهای ضد ایرانی دولت‌های غربی به خصوص ایالات متحده هستند، از چالش‌های مهم پیش‌روی این کشورها شده‌اند.

در واقع این کشورها به دنبال آن بوده‌اند که با تقویت قدرت نظامی خود، با عوامل احتمالی تجاوز مقابله کنند. به علاوه، آنها می‌خواهند، با روند تقویت تسلیحات نظامی، به ایران این پیام را بدهند که با دستیابی این کشور به تسلیحات جدید چون انواع موشک، نفوذ منطقه‌ای خود را افزایش نخواهد داد و کشورهای شورا با چنین نفوذی مقابله خواهند کرد (Rosenfield, 2012: 9).

آنچه از شواهد برمی‌آید، کشورهای شورای همکاری نیازهای امنیتی خود را با خرید میلیاردها دلار تسلیحات نظامی دنبال کرده‌اند. با این حال، آنچه در خریدهای سال‌های کنونی اعضای شورا هزینه‌های بسیار بالایی را نسبت به سایر تجهیزات نظامی راهبردی به خود اختصاص داده است و تلاش‌های بسیاری برای دستیابی به نمونه‌های جدیدتر و متنوع‌تر آنها داشته‌اند، انواع سامانه‌های راداری و دفاع موشکی بالستیک است که می‌توانند مدعایی برای نگرانی روزافزون از توسعه موشکی ایران باشد. در واقع کشورهای شورا، با وجود چالش سنتی خود یعنی مسئله اسراییل، بر اساس سخنان مقامات این دولت‌ها و بیانیه‌های ارائه شده در شورای همکاری خلیج فارس، نگرانی از حمله موشکی ایران را از چالش‌های مهم و در اولویت امنیتی اعضای شورای همکاری خلیج فارس دانسته‌اند.

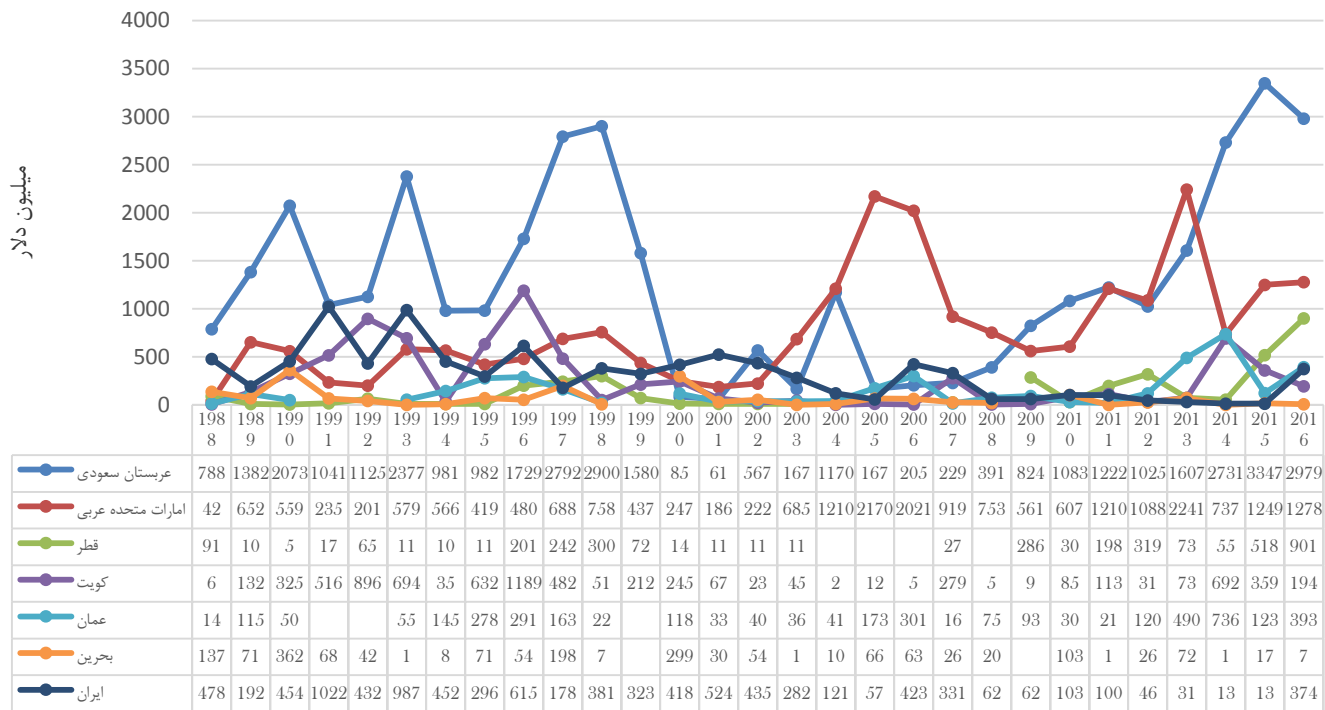
در نمودارهای زیر براساس هزینه‌های نظامی سال‌های ۱۹۸۸-۲۰۱۶، شاهد آن هستیم که هزینه‌های کشورهای منطقه در برآورد هزینه‌های نظامی (نمودار ۳)، هزینه‌های نظامی بر اساس تولید ناخالص داخلی (نمودار ۴) و واردات تسلیحات نظامی (نمودار ۵) در سال‌های کنونی و همچنین در مقایسه با ایران، عموماً رشد داشته‌اند که نشان دهنده افزایش چالش‌های دفاعی و امنیتی این کشورهاست.

نمودار ۳. مقایسه برآورد هزینه‌های نظامی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و ایران (۱۹۸۸-۲۰۱۶)



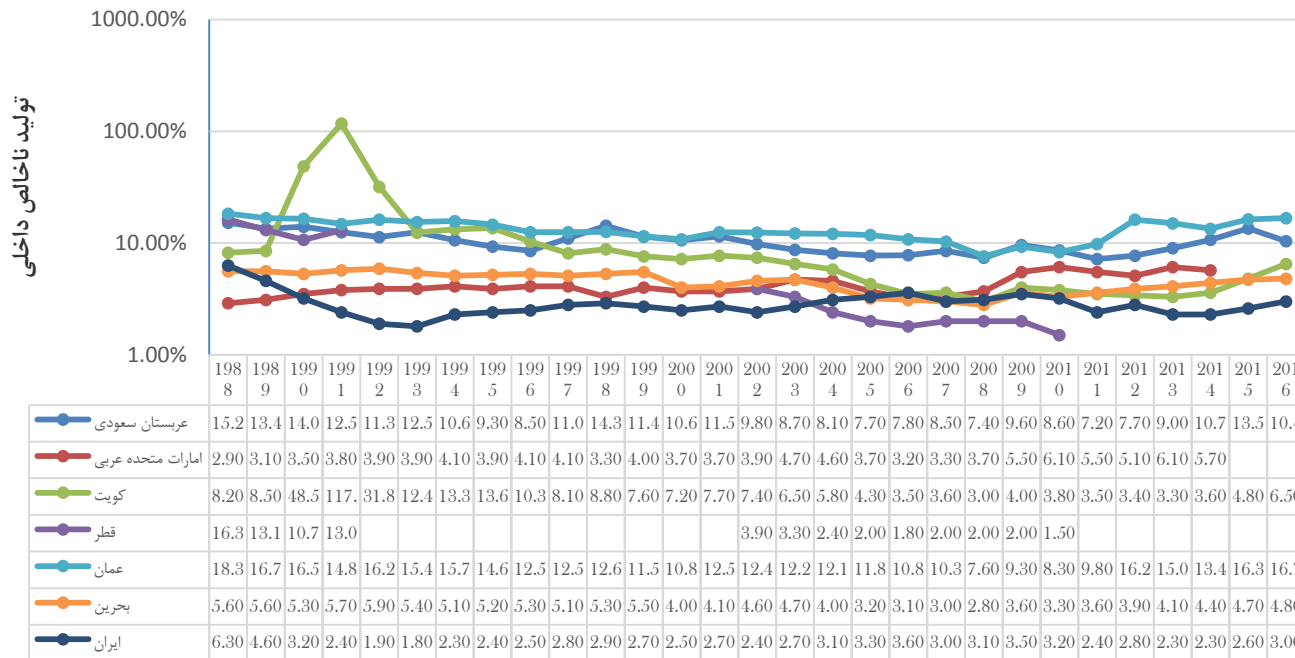
(Source: sipri.databases, 2017)

نمودار ۴. مقایسه برآورد واردات تسلیحات نظامی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و ایران (۱۹۸۸-۲۰۱۶)



(Source: sipri.databases2017)

نمودار ۵. مقایسه برآورد هزینه‌های نظامی بر اساس تولید ناخالص داخلی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و ایران (۱۹۸۸-۲۰۱۶)



(Source: sipri.databases, 2017)

بررسی آمارها در سطح منطقه نشان می‌دهند که واردات اسلحه به خاورمیانه، ۸۶ درصد بین سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۱۱ و ۲۰۱۲-۲۰۱۶، افزایش یافته است. این آمارها به‌ویژه روشن می‌کند که سهم کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به وضوح بیشتر از سایر کشورهای خاورمیانه است. برای نمونه در طول سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۶، ۲۸ درصد از تسلیحات وارد شده به منطقه سهم عربستان سعودی و کشور بعدی در این رده امارات متحده عربی است که سهم ۱۶ درصد را به خود اختصاص داده است. در طول سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۶، عربستان سعودی ۲۱۲ درصد، امارات متحده عربی ۶۳ درصد، قطر ۲۴۵ درصد و کویت ۱۷۵ درصد هزینه‌های دفاعی خود را نسبت به دوره مشابه ۲۰۰۷-۲۰۱۱، افزایش داده‌اند که در این بین ایالات متحده با تأمین ۵۳ درصد، بریتانیا ۸/۹ درصد و فرانسه ۸ درصد، بزرگ‌ترین صادرکنندگان تسلیحات به منطقه بوده‌اند.

همچنین آمارها نشان می‌دهند، بودجه دفاعی عربستان سعودی از ۲۴/۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱، یعنی قبل از آزمایش‌های گسترده موشکی ایران، به ۴۱/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹، یعنی بعد از توسعه آزمایش‌های موشکی ایران، افزایش یافته است که رشد ۶۵ درصدی را نشان می‌دهد و در همان دوره، بودجه دفاعی امارات متحده عربی با رشد ۷۰ درصدی، از ۱/۹ میلیارد دلار به ۱۵/۴ میلیارد دلار می‌رسد، همچنین بودجه‌های دفاع ملی کویت و بحرین نیز به ترتیب ۳۵ و ۸۰ درصد افزایش یافته است (Sipri.Database, 2017).

ادعای تأثیر برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران برای خریدهای گسترده نظامی برای مقابله با ایران زمانی بهتر نمایان می‌شود که کشورهای شورا انتقادات متعددی از آزمایش‌های موشکی ایران و لزوم ثبات منطقه خلیج فارس در این دوره داشته‌اند. بر این اساس و به موجب نگرانی‌های مطرح شده، اولین جلوه‌های خریدهای گسترده شورای همکاری به ژوئیه ۲۰۰۷، برمی‌گردد. زمانی که واشنگتن اعلام کرد با تقاضای برخی از دولت‌های خاورمیانه، قصد فروش مقادیر زیاد سلاح به کشورهای این منطقه را دارد که ۲۰ میلیارد دلار سهم فروش به کشورهای خلیج فارس و ۳۰ میلیارد دلار سهم رژیم اسرائیل بود و با سفر

رئیس جمهوری ایالات متحده، «جورج دبلیو بوش»، به خاورمیانه در ژانویه ۲۰۰۸، این معامله عملی شد (Steele, 2011: 10). در واقع هم‌زمانی فروش تسلیحات به اسرائیل و شورای همکاری و سال‌های انجام رزمایش‌های گسترده موشکی ایران که با انتقادهای شورای همکاری و اسرائیل همراه بود و شرایط ایران‌هراسی که واشنگتن در این مقاطع به وجود آورد، نشان می‌دهند نگرانی‌های به وجود آمده از ایران و آزمایش‌های گسترده موشکی این کشور و تأمین خواسته‌های متحدان آمریکا باعث خرید چنین تسلیحاتی شده‌اند.

همچنین از آنچه به‌عنوان چالش‌های کنونی منطقه ذکر می‌شود، بحران‌های داخلی و تروریسم هم هستند؛ با این حال به نظر نمی‌رسد که دلیل اصلی افزایش خریدهای تسلیحات که عمدتاً سلاح‌های سنگین متعارف مانند هواپیماهای جنگی، وسایل نقلیه زرهی و سامانه‌های موشکی هستند در جنگ با تروریسم استفاده مستقیم داشته باشند. بلکه تهدید بزرگ دیده شده از سوی کشورهای خلیج فارس، علاوه بر جاه طلبی‌های سیاسی روزافزون این کشورها و به‌ویژه عربستان سعودی، مقابله با قدرت نظامی ایران است. در واقع بر اساس چنین نگرانی‌هایی، فقط دو هفته پس از توافق هسته‌ای ایران و قدرت‌های غربی و از آنجایی که این توافق محدودیت خاصی بر توان موشکی ایران وارد نکرد و شکل‌گیری این نگرانی که توافق هسته‌ای با ایران باعث افزایش قدرت‌نمایی منطقه‌ای ایران خواهد شد، «پنتاگون» اعلام کرد که عربستان سعودی درخواست ششصد راکت جدید "پاتریوت" را به این کشور ارائه داده است. دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز خریدهای گسترده خود را افزایش دادند. تا جایی که پنتاگون خبر از خرید پاتریوت‌های به‌روزرسانی شده از جانب قطر و امارات متحده عربی پس از توافق هسته‌ای را داد. در این موضوع «توماس کراکو»، کارشناس دفاع موشکی در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی گفته است «تا زمانی که تهدید موشکی ایران وجود داشته باشد، شورای همکاری خلیج فارس و سایر کشورهای منطقه قصد دارند سرمایه‌گذاری در تسلیحات تهاجمی و دفاعی داشته باشند» (Government Executive, 2015) در واقع چنین تجربیاتی نشان می‌دهند که با وجود چالش‌های متعدد موجود

برای شورای همکاری خلیج فارس، مهم‌ترین نگرانی این شورا برنامه موشکی ایران است که به شدت با خریدهای گسترده نظامی در پی پاسخ به آن هستند.

جدول ۱. رتبه واردات تسلیحات شورای همکاری خلیج فارس در سطح بین‌المللی

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس	۱۹۸۰-۱۹۸۸	۱۹۸۸	۲۰۱۶
عربستان سعودی	۴	۱۴	۱
امارات متحده عربی	۵۴	۷۰	۷
کویت	۵۲	۹۸	۳۶
قطر	۶۱	۵۵	۱۱
عمان	۶۶	۸۹	۱۸
بحرین	۶۸	۴۶	۹۸

(Source: sipri.databases2017)

۴-۱-۲. استقرار سپر دفاع موشکی خلیج فارس

در چند سال گذشته تلاش‌های بسیاری برای استقرار سپر دفاع موشکی متعاقب نگرانی‌های امنیتی شورای همکاری خلیج فارس در حال انجام است. بر این اساس، هرکدام از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، سامانه‌های مختلف دفاع موشکی را خریداری نموده و یا در پی سفارش انواع جدید، برای تقویت سامانه‌های کنونی خود هستند.

با آغاز سال ۲۰۰۴، سیستم دفاع موشکی یکپارچه به طرز فزاینده‌ای برای دفاع منطقه‌ای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مدنظر قرار گرفت؛ زیرا ظرفیت موشک‌های بالستیک ایران، کاملاً افزایش یافته بود (kamrava, 2011: 113) از این رو و بر اساس روند آزمایش‌های موشکی ایران و درخواست‌های متعدد این شورا برای خرید سامانه‌های موشکی، نخستین خریدهای سامانه‌های موشکی منطقه، در ماه می ۲۰۰۶، آغاز شد. در این دوره ایالات متحده مذاکرات امنیتی خلیج فارس را برای تقویت امنیت شورای همکاری خلیج فارس در چهارچوب فروش اسلحه ایجاد کرد تا کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را به خریداری سیستم‌های دفاع موشکی ایالات متحده و نیز برای به حداکثر رساندن همکاری‌ها متقاعد سازد. از این رو، در چنین موقعیتی ژنرال «جفری کوهلر»، مدیرعامل وقت آژانس همکاری امنیتی

دفاعی، تأکید کرد که بهبود قابلیت‌های دفاع موشکی در اکتبر ۲۰۰۶، در دستور کار قرار گرفت و عنوان شد که گسترش موشکی بالستیک ایران انگیزه‌ای مهم برای ادامه و گسترش این اقدامات است (Williams et.al, 2015: 3).

در واقع در شرایطی که شورای همکاری به دنبال استقرار سامانه‌های دفاع موشکی است، ایالات متحده نیز از حامیان سپر دفاع موشکی در منطقه است و از گسترش سامانه‌های دفاع موشکی در حوزه کشورهای عربی خلیج فارس، اسرائیل و ترکیه حمایت نموده است (کاظمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۹). شروع این تلاش‌ها در سطح بین‌المللی، از زمان دولت بوش آغاز شد. با وجود این، در دولت اوباما همچنان افزایش تجهیزات و تسلیحات دفاعی کشورهای خلیج فارس و رژیم صهیونیستی در اولویت آمریکا قرار داشت تا زمینه برای ایجاد سپر دفاع موشکی در اروپا و همچنین تقویت سامانه‌های دفاعی در خلیج فارس مهیا شود (Cordesman, 2015: 93).

بنابراین افزون بر ایجاد دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه که دلیل اصلی آن همواره مقابله با چالش موشک‌های ایران عنوان شده است، نگرانی‌های وسیعی در میان شورای همکاری خلیج فارس بر اساس موقعیت ویژه این منطقه به وجود آورده‌اند که ماحصل آن گسترش سامانه‌های موشکی در منطقه بوده است. عربستان سعودی از نخستین کشورهای مهم منطقه بود که هم‌زمان با گسترش آزمایش و توسعه موشکی ایران، سامانه‌های دفاع موشکی پاتریوت را در سرزمین خود به کمک ایالات متحده گسترش بخشید. امارات متحده عربی نیز نه مجموعه پاتریوت با ارزش تقریبی ۹ میلیارد دلار در اوایل سال ۲۰۰۷، به ایالات متحده سفارش داد (Sipri, 2017). علاوه بر این، این کشور در سال ۲۰۰۸، اولین کشور منطقه بود که قرارداد دو مجموعه دفاع ضد موشکی "تاد"^۱ را با آمریکا منعقد نمود. قطر نیز به صورت مشخص، سیستم‌های پیشرفته ضد موشکی بالستیک را نیز خریداری نموده است که با تلاش‌های ایالات متحده برای گسترش توانایی دفاع موشکی خلیج فارس در برابر زرادخانه موشکی ایران هماهنگ شده است. در

سال ۲۰۱۲، ایالات متحده سیستم پاتریوت "PAC-3" با ارزش تخمینی نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار را به این کشور عرضه نمود. همچنین در همان سال، ایالات متحده با درخواست قطر برای خرید دو مجموعه تاد موافقت نمود. کویت هم امروزه بزرگ‌ترین سیستم‌های دفاع موشکی در منطقه را داراست، این کشور در سال ۱۹۹۲، پنج واحد موشکی پاتریوت را برای مقابله با عراق سفارش داد، اما امروزه بر اساس آنچه تهدیدات جدید موشکی می‌نامد، در ژوئیه ۲۰۱۲، شصت موشک پاتریوت پیشرفته "PAC-3" و بیست ایستگاه راه‌اندازی پاتریوت را به همراه تجهیزات مرتبط آن به ارزش ۴٫۲ میلیارد دلار از ایالات متحده خریداری نمود. عمان نیز از کشورهای تقاضاکننده سپر دفاع موشکی است و سفارش خرید سیستم‌های پاتریوت "PAC-3" در سال ۲۰۱۳ را داد که ارزش تخمینی آن ۲٫۱ میلیارد دلار اعلام شد. بحرین نیز که برخلاف سایر کشورهای منطقه بودجه‌های نظامی کمی دارد، به وسیله ایالات متحده و کمک‌های این کشور به دلیل حضور گسترده نظامیان آمریکایی در این کشور، سامانه‌های پاتریوت را در سرزمین خود مستقر کرده است (Steele, 2011: 12).

با این حال و در شرایطی که هرکدام از کشورهای منطقه برای محافظت از خود در برابر تهدید موشکی به شکل مجزا اقدام به خرید انواع سامانه‌های به‌روز دفاع موشکی نموده‌اند، ایالات متحده، سازمان‌دهی یک شبکه دفاع موشکی بالستیک در خلیج فارس علیه نیروی موشکی ایران را آغاز نمود. تشکیل مجمع همکاری استراتژیک ایالات متحده _ شورای همکاری خلیج فارس در مارس ۲۰۱۲، به‌همین دلیل انجام شد (Katzman, 2017: 9). در واقع تقویت کشورهای خلیج فارس، با هدف تکمیل کردن سپر ضد موشکی انجام می‌شود. هدف این است که سامانه‌های دفاعی کشورهای حوزه خلیج فارس با همدیگر پیوسته شوند و این سامانه با سامانه دفاع موشکی در ترکیه و رژیم اسرائیل پیوند خورده و در نهایت یک سپر دفاع موشکی قدرتمند را به وجود آورد (قربانی، ۱۳۹۱: ۱۷).

نکته قابل توجه آن است که در گذشته، ترس اصلی کشورهای خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی و کویت، یک حمله زمینی توسط نیروهای عراقی و

نگرانی دائمی از این اتفاق بود. همین امر موجب می‌شد که خرید سیستم‌های زرهی و توپخانه‌ای، همچنین سلاح‌های ضدتانک گسترش یابد، اما تغییر شرایط امنیتی منطقه باعث شده است که امروزه کشورهای حوزه خلیج فارس به سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید چون سپر دفاع موشکی اقدام کنند. امروزه این کشورها از بزرگ‌ترین خریداران سامانه‌های دفاع موشکی هستند. موافقت‌نامه بزرگی که در ماه می ۲۰۱۷، با حضور رئیس‌جمهور ایالات متحده «دونالد ترامپ» با عربستان سعودی امضا شد، نمایشی از ادامه روند دفاع موشکی در منطقه بود. اعلان قرارداد فروشی با ارزش بالقوه بیش از ۱۱۰ میلیارد دلار، شامل سیستم‌های موشکی پاتریوت و سیستم‌های پیشرفته موشکی تاد و ... در شرایط کنونی نشان‌دهنده اوج نگرانی‌های ریاض از چالش‌های امنیتی منطقه‌ای و رقابت‌های سیاسی و نظامی است که به عقیده کارشناسان برای مقابله با ایران و نگرانی از توسعه منطقه‌ای این کشور منعقد شده است (Blanchard, 2017: 20-21).

به همین دلیل، امروزه منطقه صحنه خرید و استقرار انواع سامانه‌های پاتریوت و تاد در تمام کشورهای شورای همکاری خلیج فارس شده است، میل سیری‌ناپذیری که با خرید سامانه‌های جدیدتر همچنان ادامه می‌یابد تا جایی که شاهد هستیم این سامانه‌ها در تمام این کشورها استقرار یافته و بر شمار آن افزوده می‌شود و از دید کلی، یکپارچه سازی دفاع موشکی برای مقابله با تهدید موشکی ایران، اقدام بازدارنده در مقابل موشک‌های ایران است.

۴-۱-۳. ائتلاف‌سازی‌های امنیتی

امنیت منطقه خلیج فارس به دلیل ویژگی خاص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک آن، به امنیت قدرت‌های بزرگ پیوند خورده است و همچنین به دلیل چالش‌های گوناگون دولت‌های عضو شورا، آنها مجبور به حفظ روابط سیاسی نزدیک با بازیگران خارجی متحد هستند. در ابتدا به دنبال انقلاب ایران و نیز جنگ‌های خلیج فارس، احساس ناامنی تمامی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را فراگرفت و آنها را بر آن داشت که ضمن تحکیم مناسبات امنیتی و نظامی خود به یک قدرت فرامنطقه‌ای جهانی متوسل شوند. امروزه نیز این کشورها با انعقاد

قراردادهای نظامی با کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا، فرانسه و انگلستان و در اختیار قرار دادن پایگاه‌های نظامی به این کشورها کوشیده‌اند تا به نوعی خطرات احتمالی موجود، از جمله از جانب ایران را خنثی کنند.

نکته مهم آن است که اکثر کشورهای خلیج فارس عمدتاً دارای فقدان عمق استراتژیک، جمعیت کم و ارتش‌های کوچک و غیرماهر هستند که منجر به مشکلات متعدد امنیتی برای این کشورها شده است. به همین دلیل، در طول چند دهه گذشته موجب شده که سیاست‌های وابستگی نظامی و امنیتی شدیدی به بازیگران فرامنطقه‌ای برای تأمین امنیت داشته باشند. در واقع، امنیت خلیج فارس به وابستگی کشورهای حوزه به حفاظت بیرونی و نیاز به بازیگران خارجی برای حفاظت از اقتصاد خلیج فارس منوط شده است. به همین ترتیب، تعادل نظامی خلیج فارس به طور یکپارچه با حضور نیروهای خارجی ارتباط دارد. به همین دلیل و بر اساس نگرانی‌های موجود، موافقت‌نامه‌های امنیتی متعددی میان این کشورها با ایالات متحده (در سال ۱۹۹۰ با عمان، عربستان سعودی و بحرین، در سال ۱۹۹۱ با کویت، سال ۱۹۹۲ با قطر و سال ۱۹۹۴ با امارات) منعقد شده‌اند (جالینوسی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۹۸).

لذا امروزه، با وجود آنکه اعضای شورای همکاری به خرید گسترده نظامی به عنوان راه‌حلی در مقابل ایران و توسعه موشک‌های این کشور می‌نگرند، اما از اقدامات مهم این دولت‌ها ایجاد ائتلاف با قدرت‌های بین‌المللی برای ایجاد جنبه‌های بازدارنده است. از سوی دیگر نیز خریدهای کلان تسلیحاتی و افزایش وابستگی‌های نظامی _ امنیتی، شکل امنیت منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس را دگرگون ساخته و ایجاد ائتلاف‌ها را برای مقابله با چالش‌های امنیتی فراهم کرده است. این شرایط، سیاست‌های کشورهای شورای همکاری در مورد اقدامات موشکی ایران، عناصری از تعصب را با اعتماد اساسی به ایالات متحده به عنوان یک نیروی دفاعی و بازدارنده ترکیب کرده است.

از آنجایی که تعهد ایالات متحده به امنیت خلیج فارس از اهمیت بالایی برخوردار است، به دولت‌های خلیج فارس اعتماد به توانایی مقاومت در برابر ایران

می‌دهد. به همین دلیل، اتحاد راهبردی واشنگتن با کشورهای عربی همسایه جمهوری اسلامی ایران، حرکتی نظامی و بازدارنده تلقی می‌شود (قربانی، ۱۳۹۱: ۱۹). در چند سال اخیر موافقت‌نامه‌ها با ایالات متحده، به دلیل چالش‌های جدید که در اکثریت توافق‌نامه‌های کشورهای شورا، چالش امنیتی از جانب ایران عنوان می‌شوند، در اشکال و سازوکارهای جدید به روزرسانی شده‌اند. برای مثال برخی از کشورهای شورای همکاری چون امارات متحده عربی و کویت بر اساس «ابتکار همکاری استانبول» و با اقدامات ایالات متحده به عنوان تلاش برای تقویت امنیت دوجانبه با کشورهای خاورمیانه، به ناتو پیوسته‌اند (Katzman, 2017: 16); زیرا ناتو نه تنها امکانات مناسبی برای مقابله با تهدیدات ایران از جمله موشک‌های این کشور فراهم خواهد کرد، بلکه آنها را از انفعال خارج کرده و موضع آنها را نسبت به تهران تهاجمی خواهد ساخت، از این رو پذیرای ناتو در منطقه بوده‌اند.

با این حال، شایان ذکر است که تعهد ایالات متحده به امنیت کشورهای حوزه خلیج فارس، به طور پیوسته به دلیل تهدید نامتقارن ایران رشد کرده و با چشم‌انداز از مسئله هسته‌ای و موشکی ایران، واشنگتن و دولت‌های جنوبی خلیج فارس در برابر ایران در حال ائتلاف‌سازی‌های جدید امنیتی و سرمایه‌گذاری قابل توجهی در ساخت و ساز توانایی‌های دفاعی منطقه هستند (Cordesman, 2014: 56). از این رو، کشورهای حوزه خلیج فارس، با در اختیار قرار دادن بخش عمده‌ای از زیرساخت‌ها برای مأموریت‌های نظامی ایالات متحده، حضور آمریکا در منطقه را ضروری می‌دانند و در مقابل نیز از حضور امنیتی ایالات متحده و دیگر بازیگران مهم بهره می‌برند (جدول ۲). در واقع بر اساس همین ائتلاف امنیتی بر ضد برنامه موشکی ایران است که ایالات متحده با اطلاع دولت‌های شورا، مستقلاً دارای دو رادار دو بانده "TPY-2" در قطر و اسرائیل است و حداقل دو کشتی "Aegis BMD" در خلیج فارس دارد که ردیابی با وضوح بالا از موشک‌های بالستیک خارج از ایران را فراهم می‌کند (Williams et.al, 2015: 3).

در تازه‌ترین اقدامات هماهنگی کشورهای شورای همکاری با ایالات متحده، بخشی از آن، در مقابل اقدامات ایران و از جمله نگرانی از برنامه موشکی ایران

است. پس از توافق هسته‌ای و در تاریخ ۱۴ می ۲۰۱۵ و بر اساس نگرانی‌های امنیتی شورا و عدم ایجاد محدودیت‌ها برای برنامه موشکی ایران، باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا و رئیس هیئت‌های نمایندگی شورای همکاری خلیج فارس، در «کمپ دیوید» توافق کردند تا همکاری راهبردی خود را شامل تلاش برای ایجاد ظرفیت جمعی برای حل تهدیدات امنیتی منطقه‌ای، افزایش دهند. هدف این نشست توسعه یک رویکرد جامع‌تر برای بازدارندگی و مقابله با تجاوز در منطقه خلیج فارس و گسترش همکاری نظامی بین ایالات متحده و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس عنوان شد. از آنجایی که این کشورها همواره نگرانی‌های خود را پس از توافق هسته‌ای در جهت گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران و نبود راهکارهایی برای جلوگیری از توسعه موشک‌های ایران عنوان کرده بودند، این موافقت‌نامه نشان‌دهنده آخرین مرحله در تکامل رویکرد شورای همکاری خلیج فارس به یک ظرفیت دفاع موشکی مشترک برای مقابله با تهدید موشک‌های بالستیک ایران با همکاری ایالات متحده می‌باشد (DeBiaso, 2016: 90).

جدول ۲. پایگاه‌های نظامی در منطقه خلیج فارس (۲۰۱۷)

بحرین	عمان	قطر	کویت	امارات متحده عربی	عربستان سعودی
میدان هوایی عیسی (ایالات متحده)	السیب (ایالات متحده)	پایگاه هوایی العدید (ایالات متحده)	پایگاه دریایی کویت/کمپ پاتریوت (ایالات متحده)	پایگاه هوایی الظفره (ایالات متحده)	پایگاه هوایی قریه إسکان (ایالات متحده)
ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده	کمپ العداله (ایالات متحده)	پایگاه هوایی العدید (فرانسه)	کمپ اربفجان (ایالات متحده)	جبل علی (ایالات متحده)	پایگاه هوایی پرنس سلطان (ایالات متحده)
میدان هوایی المحرق (ایالات متحده)	پایگاه هوایی ثمریت (ایالات متحده)	پایگاه هوایی العدید (ترکیه)	پایگاه هوایی علی السالم (ایالات متحده)	پایگاه دریایی فجیره (ایالات متحده)	
خلیفه بن سلمان (ایالات متحده)	الدقم (فرانسه) در حال توسعه		کمپ بیوری (ایالات متحده)	پایگاه هوایی المنهاد (بریتانیا)	
اچ ام اس الجفیر (فرانسه)					

(Source: Aljazira, 2017)

۴-۱-۴. تلاش در جهت تقویت نهادگرایی

انقلاب ایران، تلاش برای صدور آن و جنگ تحمیلی با عراق، دولت‌های خلیج فارس را مجبور ساخت تا مفهوم امنیت جمعی را به‌عنوان یک هدف مهم دنبال نمایند. در راستای سیاست مهار ایران، اعضای شورا در نخستین اقدام، شورای همکاری خلیج فارس را، به‌عنوان گام مهم و اساسی در جهت نهادگرایی در خلیج فارس، تأسیس نمودند.

با تأسیس این شورا، کشورهای عضو آن به همکاری‌های گوناگونی در جهت رفع نگرانی‌هایی که انقلاب ایران متوجه آنها کرده بود، پرداختند. نکته مهم آن است که نفس تشکیل شورای همکاری و تداوم آن، حداقل حاکی از برخی نگرانی‌ها و منافع مشترک کشورهای عضو آن در حوزه‌های موضوعی خاص است. با این حال جزء مهمی از تلاش شورای همکاری خلیج فارس در زمینه امنیت، اعتماد به نفس در صنایع دفاعی بوده است. شورای همکاری خلیج فارس در جهت هم‌گرایی بیشتر امنیتی و توسعه یک پایگاه داخلی میان کشورهای عضو به منظور افزایش قابلیت‌های منطقه در پرداختن به طیف وسیعی از تهدیدات متعارف و نامتقارن از جمله بلندپروازی‌های موشکی ایران نیز تمرکز کرده است. در واقع، هم‌گرایی و رویکرد جمعی برای کشورهای کوچک مانند کشورهای عضو شورای همکاری، این مزیت را دارد که قدرت چانه‌زنی و جایگاه آنها را در مقابل سایر بازیگران و گروه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای افزایش خواهد داد. هرچند اهداف این کشورها در بسیاری از موارد مشابه نیست و می‌تواند براساس منافع و مصالح هر یک از آنها متفاوت باشد، اما در عین حال ویژگی‌های مشترک باعث هم‌گرایی آنها در مورد برخی مسائل مهم می‌شود که برای آنها دارای اهمیت بالایی وجودی و استراتژیک است (اسدی، ۱۳۹۰: ۳۲).

اگرچه اکثر کشورهای شورای همکاری از لحاظ تاریخی، از طریق روابط دوجانبه به ضمانت‌های بیرونی متکی هستند، و از ترس از دست دادن حاکمیت و وابستگی به سایر اعضا، همواره حفظ امنیت به وسیله متحدان خارجی و نیروهای ملی را ترجیح داده‌اند، در دهه‌های اخیر، با وجود مشکلات متعدد هماهنگی

منطقه‌ای بیشتری را دنبال کرده‌اند و برخی از چالش‌های موجود مانند توسعه موشکی ایران توانسته تقویت نهادگرایی را در میانشان گسترش دهد.

انقلاب ایران در نخستین گام منجر به تشکیل شورای همکاری خلیج فارس شد، اما اقدامات ایران برای پیشرفت و دستورالعمل‌های متعدد سیاسی _ نظامی از جمله موشک‌های بالستیک این کشور، منجر به افزایش تلاش‌ها برای هم‌گرایی بیشتر و ایجاد نهادگرایی‌های جدید در دل شورای همکاری شده است. توافق‌نامه دفاع مشترک میان اعضای شورا و تلاش برای همکاری مشترک نظامی که دو دهه طول کشید، با وجود همه کاستی‌ها به مرحله دفاع مشترک منتهی شد. از این رو اقدامات نظامی مشترک چون ایجاد "سپر جزیره"، دستاورد جمعی مهمی محسوب می‌شود؛ آنها همچنین قصد خود را مبنی بر دفاع از یکدیگر به طور جمعی مطرح نموده‌اند. بر این اساس استناد می‌کنند که حمله به هر کشور عضو، حمله‌ای علیه همه آن‌هاست و تهدید به هر کشور به‌عنوان یک تهدید مشترک محسوب می‌شود (Cordesman, 2015: 59)

امروزه با وجود آنکه این کشورها عموماً به دلیل اختلافات میان اعضا با سختی‌ها و شکست‌های فراوانی روبه‌رو بوده‌اند و به دلایلی در برابر ادغام‌های امنیتی مقاومت کرده‌اند؛ تلاش‌های گسترده‌ای میان اعضا برای ایجاد هماهنگی و همکاری بیشتر در برابر ایران، در حال انجام است. این اعضا در برابر تهدید منطقه‌ای ایران با بیانیه‌هایی مشترک و ابراز نگرانی از آزمایش‌های موشکی ایران و مذاکرات متعدد مابین خود بر همکاری بیشتر و ایجاد سازوکارهایی برای هماهنگی بیشتر تأکید کرده‌اند. مثال مهمی در این زمینه مذاکرات «کمپ دیوید» با حضور مقامات عالی همه این کشورهاست که بر لزوم کاهش اختلافات و فراهم آوردن شرایط هماهنگی و یکپارچگی بیشتر برای یکپارچه‌سازی سپر دفاع موشکی و استقرار سامانه‌های یکپارچه هشدار موشکی در مقابل تهدید ایران، تأکید نموده‌اند.

در واقع برای کشورهای شورای همکاری که اصولاً علاقه چندانی به یکپارچگی نداشتند، این اقدام تلاش بزرگی برای هم‌گرایی بیشتر در برابر

موشک‌های ایران است. تا جایی که «عمر محمد»، تحلیلگر مرکز مطالعات بین‌الملل و انرژی در بحرین، در این زمینه گفته است: آنچه ما شاهد آن هستیم در طول یک‌سال یا دو سال گذشته، یک راه جدید برای همکاری و هماهنگی با یکدیگر در شورای همکاری است. همچنین برخی از ناظران می‌گویند که عوامل استراتژیک مهم، منجر به هم‌تراز کردن اعضای شورای همکاری شده که می‌تواند برخی از موانع سیاسی در شورا را کاهش دهد (Theational, 2015).

از این رو باید عنوان ساخت که بر اساس شرایط آنارشی برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، با وجود تناقضات متعدد سیاسی و امنیتی، این کشورها به صورت کاملاً آشکارا، ایجاد یک جبهه واحد با تقویت و جبران مشکلات سپر جزیره، انجام تمرینات نظامی و هماهنگی در سپر دفاع موشکی را دنبال کرده و به این ترتیب سعی می‌کنند که به عنوان یک نیروی متحد برای مقابله با ایران و از جمله در برابر قدرت موشکی این کشور عمل کنند. دولت‌های شورای همکاری تمایل بیشتری برای ایجاد چتر دفاعی با هماهنگی یکدیگر و روند ساخت و ساز در خلیج فارس برای ایجاد سیاست بازدارندگی و مهار ایران و همچنین کمک به مقابله با این کشور انجام داده‌اند، اقداماتی که روند هم‌گرایی‌های نهادی را تقویت کرده است.

نتیجه‌گیری

در چند دهه گذشته، تحولات مهمی در سیاست‌های دفاعی و امنیتی در سطح منطقه خاورمیانه ایجاد شده است که بخش مهمی از آن تلاش در زمینه سرمایه‌گذاری‌ها برای افزایش توانایی‌های موشکی بوده است. این سرمایه‌گذاری‌های گسترده برای تقویت هر چه بیش‌تر پایه‌های امنیتی و نظامی برای حصول برتری بی‌چون و چرا انجام می‌شود که گسترش کمی و تقویت کیفی آن به عنوان ابزاری در راستای دستیابی به اهداف استراتژیک و ایدئولوژیک بوده است.

در این بین جمهوری اسلامی ایران که بعد از انقلاب اسلامی با تهدیدات و بحران‌های منطقه‌ای بسیاری مواجه بوده و در این راه با تحریم‌های بین‌المللی روبه‌رو

شد، با اتکا بر راهبرد خوداتکایی، درصدد تولید بومی تسلیحات مدرن برآمد. در این میان، موشک تنها سلاحی بود که می‌توانست با توجه به ماهیت تهدیدات و امکانات ایران و تجربیات کسب شده، قدرت لازم و بازدارندگی کاملی را برای ایران ایجاد کند. از این رو توسعه صنایع موشکی، از جمله راهبردهای دفاعی اساسی ایران شد که پیشرفت چشم‌گیری را نیز تجربه کرده است. تحولات در برنامه موشکی ایران در سال‌های گذشته توجه زیادی را به خود اختصاص داده است. با وجود آنکه جمهوری اسلامی ایران توانایی موشکی خود را بارها دفاع از کشور و بازدارنده اعلام نموده است که قصد تجاوزی در آن وجود ندارد، در بُعد بین‌المللی با نگرانی‌های وسیعی از جانب کشورهای غربی مواجه شده است. از منظر دیگر نیز ایران‌هراسی به برنامه راهبردی ایالات متحده و هم‌پیمانانش تبدیل شده تا ایران تهدیدی بزرگ در منطقه و همچنین تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی تلقی شود و با سیاست ایجاد هراس و تغییر رفتار بازیگران نظام بین‌الملل در قبال ایران به دنبال تضعیف و تخریب و به حاشیه راندن جمهوری اسلامی باشند.

درچنین شرایطی در مجموعه امنیتی خلیج فارس، گسترش توانایی موشکی ایران به دلیل نگرانی‌های به وجود آمده بین‌المللی از سوی متحدان این کشورها در غرب از یک سو و جایگاه منطقه‌ای مهم ایران و ضعف ساختاری سنتی آنها در مقابله با ایران از دیگر سو، به یکی از عمده‌ترین چالش‌های امنیتی فراروی نظم اقتدارگرایانه موردنظر آنها در منطقه تبدیل شده است که با ماهیت راهبرد دفاعی - امنیتی آنها سازگاری ندارد. به همین دلیل کشورهای منطقه در دکتترین نظامی و دفاعی خود به دنبال ابزارهایی برای مقابله با قدرت موشکی ایران می‌گردند که به‌ویژه توانایی ضربه دوم را نیز پیدا کنند. از این رو در چند سال اخیر تلاش‌های بسیاری برای مقابله با برنامه توسعه صنایع موشکی ایران انجام داده‌اند که تقویت توان نظامی با خریدهای گسترده تسلیحاتی و تبدیل شدن به بزرگ‌ترین واردکنندگان تسلیحات در عرصه بین‌المللی؛ از جمله خرید و استقرار سپر دفاع موشکی و ائتلاف‌سازی امنیتی با بازیگران بین‌المللی، در اختیار قرار دادن پایگاه‌های نظامی به این کشورها در خاک خود، برگزاری رزمایش‌های متعدد در

خلیج فارس برای استفاده از جایگاه این قدرت‌ها در مقابل ایران، ایجاد و تقویت نهادگرایی در میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس و موضع‌گیری‌های عمدتاً یکسان در مقابل توان موشکی ایران، با وجود اختلافات ریشه‌ای فی‌مابین، از اقدامات ویژه آنها بوده است.

به‌طور کلی باید گفت که تضادهای عمده میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس؛ از جمله ساختارهای سیاسی متمایز، بحران مشروعیت، نوع نگاه به غرب، ماهیت متفاوت نظام سیاسی ایران و اعضای شورای همکاری، مکمل نبودن اقتصاد، نوع نگاه تصمیم‌گیرندگان و نخبگان کشورها، عدم شکل‌گیری هنجارهای مشترک، وجود هویت‌های متعارض و متضاد، فرهنگ رقابتی، بی‌اعتمادی و عدم شکل‌گیری آگاهی منطقه‌ای، ساختار دفاعی و امنیتی منطقه را شدیداً با تهدید مواجه نموده است تا جایی که ایران به‌عنوان چالش و تهدید منطقه‌ای در شورای همکاری خلیج فارس انگاشته می‌شود، اصلی که خود از عوامل مهم پایه‌ریزی این شورا هم زمان با آغاز انقلاب اسلامی ایران بوده است. با این حال در سال‌های اخیر توسعه روند موشکی ایران بر این چالش‌ها و تضادها افزوده است تا جایی که شاهد آن هستیم در مورد مسائل متعدد بین‌المللی، منطقه‌ای و امنیت خلیج فارس و همچنین به دلیل سیاست‌های بسیار نزدیک اعضای شورای همکاری با غرب به‌ویژه آمریکا، این کشورها همکاری میان خود و ارتباط با غرب و اقدامات مشترک نظامی برای مقابله با ایران را در شرایط کنونی مفید می‌دانند. این شرایط عملاً موجب واگرایی بیشتر شورای همکاری خلیج فارس با ایران شده است. در واقع در شرایط گسسته کنونی و تضادهای رو به افزایش ایدئولوژیک در منطقه، این‌گونه می‌توان استنباط نمود تا زمانی که ثبات نسبی و امنیتی به منطقه بازنگردد، اقدامات بازیگران می‌تواند به‌عنوان عاملی در جهت افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای و در جهت آسیب به سایرین ارزیابی شود که در چنین موقعیتی اقدامات مقابله‌کننده فراگیر امنیتی علیه یکدیگر می‌تواند از راه حل‌های موجود باشد و شرایط برای تداوم جو منفی و افزایش نگرانی گسترش یابد و منطقه همچنان بحرانی بماند، شرایطی که امروزه با سیاست‌های مقابله‌ای با برنامه موشکی ایران قابل لمس است.

منابع

- اسدی، بیژن (۱۳۹۰). *خلیج فارس و مسائل آن*. تهران: سمت.
- اسلامیان، شقایق (۱۳۹۲). «تأثیر رقابت تسلیحاتی متعارف ناپایدار در منطقه خلیج فارس با تأکید بر تنگه هرمز از سال ۲۰۰۳ تاکنون بر ثبات و امنیت منطقه». پایان نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: بابک خیبری. دانشکده حقوق و علوم سیاسی: دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- ترابی، قاسم (۱۳۸۹). «گسترش سامانه های دفاع موشکی آمریکا در خاورمیانه و امنیت جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه راهبرد دفاعی*. س ۸. ش ۳۱. صص ۱۹۵-۲۲۴.
- جالینوسی، احمد؛ البرزی، هنگامه و طباطبایی، یگانه (۱۳۹۳). «نقش واگرایانه آمریکا در منطقه خلیج فارس پس از ۱۱ سپتامبر». *سیاست جهانی*. ش ۳. د. ش ۴. بهار. صص ۱۸۳-۲۱۳.
- جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون (۱۳۹۱). *درآمدی بر روابط بین الملل*. ترجمه: مهدی ذاکریان، احمد تقی زاده و حسن سعید کلاهی. تهران: نشر میزان.
- جمالزاده، ناصر و محمد آقایی (۱۳۹۴). «تأثیر ایران هراسی در رقابت تسلیحاتی اعضای شورای همکاری خلیج فارس». *جستارهای سیاسی معاصر*. د. ش ۶. ش ۱۵. بهار. صص ۱۹ تا ۴۹.
- حسینی، مختار (۱۳۸۲). «سیاست های تسلیحاتی در منطقه خاورمیانه». *مطالعات دفاعی و امنیتی*. ش ۳۵. صص ۱۱۱-۱۳۸.
- حیدری، ناصرالدین (۱۳۹۳). «گسترش سامانه سپر دفاع موشکی در خاورمیانه و خلیج فارس و امنیت جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۲-۲۰۱۳)». پایان نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: غلامعلی چگینی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی: دانشگاه علامه طباطبایی.
- عبداله خانی، علی (۱۳۸۹). *نظریه های امنیت*. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- عسگرخانی، ابومحمد و محمدرضا حق شناس (۱۳۹۰). «تهدیدهای منطقه ای و راهبرد تسلیحاتی _ امنیتی ج.ا.ایران». *فصلنامه راهبرد دفاعی*. س ۹. ش ۳۳. تابستان. صص ۶۹-۹۹.

قربانی، مزگان (۱۳۹۱). «استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی». فصلنامه راهبرد دفاعی. س ۱۰. ش ۳۸. صص ۱-۳۰.
کاظمی، علی اصغر و دیگران (۱۳۹۲). «سامانه‌های دفاع موشکی ایالات متحده: از میراث جنگ سرد تا راهبرد نوین اوباما». فصلنامه سیاست جهانی. ۲۵. ش ۲. صص ۲۹-۶۴.

ویلیامز، پل دی (۱۳۹۲). *درآمدی بر بررسی‌های امنیتی*. ترجمه: علیرضا طیب. تهران: امیرکبیر.

Aljazeera(2017), The growing militarisation of the GCC ,Retrieved July 20 , 2017 available online at: <http://www.aljazeera.com/indepth/interactive/2017/07/growing-militarisation-gcc-170712144644207.html>

Blanchard. Christopher. M. (2016) , “Saudi Arabia: Background and U.S. Relations ” ,**Congressional Research Service**. Retrieved May 4 ,2017 , Available at:https://digital.library.unt.edu/ark:/67531/metadc847570/m2/1/high_res_d/RL33533_2016Apr22.pdf

Cordesman,A. H. (1999), **The Military Balance in the Middle East: An Executive Summery**, New York ,Institute on Global Conflict and Cooperation University of California

Cordesman,A. H. (2015),“Military Spending and Arms Sales in the Gulf”,**Peacock: Gulf NationalSecurityBalance**.RetrievedMay4,20 , Availableat: https://csisprod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files/files/publication/150428_military_spending.pdf

Cordesman, A. H. and Gold ,Bryan (2014), **The Gulf Military Balance** , Washington, DC:Center for Strategic & International Studies. Retrieved May11,2017 Available at: <https://cryptome.org/2014/03/gulf-mil-balance.pdf>

Copeland ,Dale C. (2000),“The Constructivist Challenge to Structural Realism: A Review Essay”,*International Security* ,Vol.25, No. 2 , PP.187-212.

Davenport, Kelsey. (2016) ,“Iran's Missile Tests Raise Concerns” ,**Arms Control Today** , Vol.46, Issue.3, Apr,pp:25-26

DeBiao, Peppino(2016) ,“ Missile Defense and the GCC: Strengthening Deterrence through a New Framework ,” Vol. 37, No. 3,pp: 89-93

Delory ,Stephane .(2011), “The dynamics of missile proliferation in the MiddleEast and North Africa” ,Retrieved Sep3, 2016, EU Non-Proliferation Consortium:

(www.nonproliferation.eu/web/documents/other/stphanedelory4e97160965698)

- Ekovich, Steven.(2004) ,“Iran and New Threats in the Persian Gulf and Middle East”, **Orbis**,Vol. 48 Issue. 1, Winter, pp: 71-87.
- Elman ,Colin. (2001), “History,theory and the democratic peace”,*The international History Rewiew*,Vol.23,No.4,PP.757-766.
- Falleti, Tulia G. & Julia Lynch (2009) “Context and Causal Mechanisms in Political Analysis”, *Comparative Political Studies Online*, First Published on April 21 2009, 1-24.
- Guzansky ,Yoel .S. Shapir ,Yiftah.(2016), “Iran Goes Ballistic”,**Middle East Quarterly**,Vol.22,No1,PP: 1-12
- Government Executive(2015) , Saudi Arabia Wants 600 Patriot Missiles in Response to the Iran Deal ,Retrieved Agust20 ,2017 available online at: <http://www.govexec.com/defense/2015/07/saudi-arabia-wants-600-patriot-missiles-response-iran-deal/118712>
- Kamrava, Mehran(2011), **International Politics of the Persian Gulf**, New York: Syracuse University Press.
- Katzman.Kenneth(2017), “Kuwait: Governance, Security, and U.S. Policy”,**Congressional Research Service** ,Retrieved MAY 6 ,2017 , Available at: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RS21513.pdf>
- Katzman.Kenneth(2017), “The United Arab Emirates (UAE): Issues for U.S. Policy” ,**Congressional Research Service** ,Retrieved MAY 6 ,2017 , Available at: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RS21852.pdf>
- Mearsheimer, John J. (2001) , **The Tragedy of Great Power Politics** , New York: W.W. Norton.
- Mistry, Dinshaw.(2007),“European Missile Defense: Assessing Iran's ICBM Capabilities ”,**Arms Control Today**,Vol.37, Issue.8,Oct,pp: 19-23
- Pomper, Miles A; Harvey, Cole.(2010), “Beyond Missile Defense: Alternative Means to Address Iran's Ballistic Missile Threat”,**Arms Control Today**,Vol.40 ,Issue.8 ,Oct,pp: 16-23
- Richard L. Garwin.(2008),“Evaluating Iran's missile threat ”,**Bulletin of the Atomic Scientists**,Vol. 64, No. 2, May/June,pp: 40-43
- Rosenfield, Daniel (2012) ,“Countering Iran with Arms Sales to the Gulf Cooperation Council Available at: , Retrieved JUN18, 2017,**INSTITUTE FOR DEFENSE ANALYSES**,States”

file:///C:/Users/javid/Downloads/ADA575294%20(2).pdf

Rubin, Uzi.(2012), “Showcase of Missile Proliferation: Iran's Missile and Space Program”,Arms Control Today, Vol.42, Issue.1,Jan/Feb,pp: 14-20

SIPRI(2017), “SIPRI Military Expenditure Database”,Retrieved MAY 3 , 2017 ,<https://www.sipri.org/databases/milex>.

Steele. Andrew T. (2011) , “Mirage or Reality: Enabling Gulf Cooperation Council (GCC) Collective Defense”,**NAVAL WAR COLLEGE Newport** ,Retrieved JUN15 ,2017 ,Available at: <http://www.dtic.mil/dtic/tr/fulltext/u2/a546355.pdf>

Taylor ,Claire(2009) ,“Iran: Conventional Military Capabilities”,**International Affairs and Defence Section**,Retrieved JUN26 ,2017 ,Available at: file:///C:/Users/javid/Downloads/SN04264%20(2).pdf

The national(2015),Joint missile defence is target for Gulf Arab countries . , Retrieved Jun14 ,2017 available online at: <https://www.thenational.ae/world/joint-missile-defence-is-target-for-gulf-arab-countries-1.642680>

Williams Ian and Runbagh.Wes(2015),“GCC Missile Defense: A Threat Driven Imperative” ,**MDAA REGION BRIEF** .Retrieved MAY14 , 2017 available online at: <http://missiledefenseadvocacy.org/resources/mdaa-country-briefs/gcc-missile-defense-a-threat-driven-imperative/>

worldbank.(2017),“ GDP (current US\$)” ,<https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD>